

دزد حرفه ای به ۴۵ فقره سرقت از منازل اعتراف کرد

آخرین دستبرد به اموال مُرده!

در پی دریافت این خبر، بی درنگ گروهی از عوامل انتظامی با دستور مستقیم سرگرد احسان سبکیار (رئیس کلانتری شفا) عازم نشانی مذکور شدند و بلافاصله منزل یاد شده را محاصره کردند اما دزد حرفه ای که متوجه سرو صدای غیر عادی شده بود وقتی از روزه در حیاط به حضور نیروهای انتظامی پی برد، خود را به پله های ساختمان رساند و تلاش کرد تا از طریق پشت بام فرار کند اما نیروهای انتظامی که از قبل همه راه های گریز را مسدود کرده بودند، او را در پشت بام غافلگیر کردند و حلقه های قانون را بر دستانش گره زدند.

دز بازرسی از این سارق حرفه ای، علاوه

سید خلیل سجادیپور
info@khorasannews.com



دزد حرفه ای که مشغول دستبرد به اموال یک مُرده در خیابان یاس مشهد بود، در حالی با اقدام سریع نیروهای کلانتری شفا به دام افتاد که تاکنون راز ۴۵ فقره سرقت از منازل و پارکینگ ها را افاش کرده است.

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، چند روز قبل اهالی خیابان یاس مشهد در تماس با پلیس ۱۱۰، از وجود سارقِی در یک منزل مسکونی خبر دادند که مالک آن مدتی قبل از دنیارفته بود!



برتیشه و تبر، تعدادی ابزار سرقت از قبیل پیچ گوشتی و سیم چین نیز کشف شد و متهم در حالی به مقر انتظامی انتقال یافت که تعدادی از مال باختگان، وی را در همان محل دستبرد به اموال مُرده شناسایی کردند. «الف-م» (یکی از مال باختگان) به نیروهای انتظامی گفت: این متهم به منزل من دستبرد زده و اموالی از قبیل دو تخته فرش ماشینی، دو دستگاه آبگرمکن، ویلچر، همه سیم و کابل و کلید و پریز ها و شیرآلات ساختمان را به همراه وسایل کامل آشپزخانه، کولر آبی، اجاق گاز، ۹۰ عدد پنجره و حتی رختخواب ها سرقت کرده است به طوری که منزل به خانه ارواح تبدیل شده و دیگر چیزی در آن باقی نمانده است.

شاکی دیگر نیز با شناسایی دزد حرفه ای و در

حالی که با خشمی وصف ناپذیر به چهره او

می نگریست، به سرقت از ساختمان در حال

احداث خود اشاره کرد و گفت: این فرد همه

سیم کشی های ساختمان و لوله ها را از بدنه

خارج کرده و تعداد زیادی توپ های سیم

و کابل و حتی شیرهای گاز را به سرقت برده

است.

در همین حال یک زن جوان نیز که مدعی بود

آرایشگاهش هدف دستبرد این سارق ۳۸ساله

قرار گرفته است، به ماموران انتظامی گفت: او

با کلید در سالن آرایش و زیبایی مرا باز کرده

«جَنّی» دستگیرشد، عضو دیگر باند گریخت

ماجرای کیف قاپی های بیمار ایدزی در مشهد!

نشنود، وی در اعتراضات خود به سرگرد طیوری (افسر پرونده) گفت: من دو فقره سابقه کیفری دارم و هرویین مصرف می کنم. به همین دلیل هم برای تامین هزینه های اعتیاد در مان بیماری ایدز به همراه یکی از دوستان قدیمی ام کیف قاپی می کنیم. امروز نیز سوار بر موتورسیکلت پلاک مخدوش ابتدا به زیر پل میدان بار سپاد رفتیم اما نتوانستیم کیفی را سرقت کنیم. این بود که از آن جا به خیابان فخر آمدیم و زنی را زیر نظر گرفتیم که کودکی خردسال به همراه داشت ولی هنگام کیف قاپی متوجه حضور پلیس شدیم و نتوانستیم کیف او را به سرقت ببریم چرا که زن جوان هم متوجه ماجرا شد و ما از ترس فرار کردیم.

بنابر گزارش روزنامه خراسان، سارق ایدزی معروف به «جَنّی» تاکنون به ۴ فقره سرقت اعتراف کرده است و تلاش عوامل انتظامی برای دستگیری عضو دیگر باند وی ادامه دارد.

سارقان که متوجه حضور پلیس شده بودند، بر سرعت موتورسیکلت افزودند اما به دلیل اضطراب و استرسی که وجودشان را فرا گرفته بود، کنترل موتورسیکلت را از دست دادند و پس از برخورد بایک دستگاه پژو ۲۰۷ در حاشیه خیابان واژگون شدند.

گزارش روزنامه خراسان حاکی است در این شرایط ترک نشین موتورسیکلت متواری شد اما راکب ۲۳ساله در حالی به دام افتاد که بررسی ها نشان داد او جوان سابقه دار معروف به «جَنّی» است و بنا به ادعای خودش با بیماری ایدز دست و پنجه نرم می کند!

طولی نکشید که با انتقال وی و موتورسیکلت پلاک مخدوش به کلانتری، بازجویی های تخصصی بار انهمیایی های تجربی سرهنگ روح...لطیفی (رئیس کلانتری آبکوه) آغاز و مشخص شد «جَنّی» برخی شماره های پلاک موتورسیکلت را با چسب برق تغییر داده است تا هنگام ارتکاب جرم شناسایی

سید خلیل سجادیپور- بیمار ایدزی معروف به «جَنّی» در حالی با هوشیاری عوامل گشت کلانتری آبکوه مشهد دستگیر شد که قصد داشت کیف زن جوانی را سرقت کند که فرزند خردسالش را در آغوش گرفته بود.

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، ماموران کلانتری آبکوه که با دستورهای ابلاغی سرهنگ محمد چراغ (فرمانده انتظامی مشهد) طرح های گسترده مقابله با زورگیری و گوشی قاپی را اجرا می کنند، هنگام گشت زنی های نامحسوس در خیابان فخر مشهد با دو جوان موتورسوار رو به رو شدند که قصد داشتند کیف زن جوانی را به سرقت ببرند اما زن جوان که فرزند خردسالش را به آغوش گرفته بود، در یک لحظه متوجه کیف قاپ های موتورسوار شد و اقدام دزدان موتورسوار نافرجام ماند. در همین حال نیروهای گشت با مشاهده این صحنه سرقت، بلافاصله به تعقیب سارقان کیف قاپ پرداختند.



عکس ها اختصاصی خراسان

باند ۱۱ نفره سرقت در کرمان متلاشی شد

توکلی- با اقدامات اطلاعاتی پلیس ۱۱ نفر از سارقان که اقدام به دزدی موتورسیکلت، دو چرخه و سرقت از خودروها، منازل و ساختمان های در حال ساخت می کردند، دستگیر شدند.

به گزارش خراسان، فرمانده انتظامی شهرستان کرمان گفت: در اجرای طرح امنیت محله محور که هم اکنون در سطح تمام ده های انتظامی شهرستان کرمان در حال انجام است، نیروهای کلانتری شهید صدوقی با اقدامات اطلاعاتی طی ۲۴ ساعت گذشته موفق شدند یک باند ۱۱ نفره سرقت را متلاشی کنند. سرهنگ پورامینائی با بیان این که سه نفر از اعضای این باند در ۵۰ فقره سرقت مصالح ساختمانی و تجهیزات اماکن نیمه کاره و در حال ساخت دست داشتند، افزود: از سه نفر دیگر از آنان که اقدام به سرقت وسایل نقلیه می کردند ۱۸ دستگاه موتورسیکلت و دو چرخه کشف شد.

وی تصریح کرد: پنج عضو دیگر این باند نیز تحت عنوان نیروی خدماتی اقدام به سرقت منزل و طلا به ویژه از افراد سالخورده می کردند.

این مسئول انتظامی مجموع ارزش اموال سرقتی را حدود ۳میلیارد تومان ذکر کرد.

در امتداد تاریکی

بذرسمی!

وقتی داخل ماشین پلیس نشستم، یکی از ماموران به من نگاه کرد و گفت: چرا اادامه میدی؟ می دونی چقدر سابقه داری؟ و من فقط خندیدم نه از روی خوشحالی بلکه از غم عمیقی که سال ها درونم را خورده بود.

من فرزند سوم یک خانواده شش نفره بودم. دو برادر و یک خواهر دارم اما هیچ کدام از منمی دانستیم معنای خانواده چیست!؟ وقتی ۹ ساله بودم، پدر و مادر من هم جدا شدند و من و خواهر و برادرم شدیم فرزند طلاق. پدر و مادر من از لحاظ فرهنگی با هم هیچ تفاهمی نداشتند. شاید برای شما عجیب باشد اما برای من کاملاً طبیعی بود. این دو هیچ وقت نتوانستند با همدیگر زندگی کنند و هر روز با یکدیگر دعوا می کردند. هر شب صدای گریه مادر من به گوش ما می رسید. بعد از این که والدینم از هم جدا شدند همه ما بچه ها اول پیش پدر زندگی می کردیم. پدر مرد سختگیری بود و هیچ وقت به ما عشق و محبتش را نشان نداد. او بعد از مدتی تجدید فراش و با زن دیگری از دواج کرد و چون نامادری با ما رابطه خوبی نداشت ما نیز پیش مادرم رفتیم و با او زندگی کردیم. چند سال پیش مادر من زندگی کردیم، مادر من نیز زنی خسته و افسرده بود. مادر هم از دواج کرد و ما پس از آن برای ادامه زندگی نزد مادر بزرگمان رفتیم. برای ماجراهایی که پیش آمده بود از پدر و مادر و همه متنفر بودم. همیشه با خودم زمزمه می کردم چرا باید زندگی ما این گونه بشود؟ چرا من نمی توانم با آرامش کنار خانواده ام زندگی کنم؟

پدرم تاحدودی اوضاع مالی خوبی داشت و خرج زندگی ما را می داد که ما به خانه او نرویم. یک خشم و نفرت مانند یک بذر سمی در درونم رشد کرد و هر روز قوی تر می شد. وقتی به سن نوجوانی رسیدم دیگر تحمل مدرسه را نداشتم که هر روز به آن جا بروم چون دوستانم از خاطراتی که با خانواده هایشان ساخته بودند، می گفتند. از طرف دیگر هیچ علاقه ای نیز به درس خواندن نداشتم. وقتی آن ها با هم درباره مسافرت ها و مهمانی هایشان حرف می زدند، به این فکر می کردم که چرا من در این دنیای واقعی از محبت پدر و مادر محروم شده ام. سرانجام ترک تحصیل کردم و به کارگاه کاشی کاری برای کار کردن رفتم. چند سال در آن جا مشغول کار شدم. در همان محله با دختری آشنا شدم. «الهام» دختر بسیار صبور و پاکی بود. او برای من روزنه امید به زندگی بود و به امید او من زندگی می کردم. هنگامی که ۲۵ ساله شدم، تصمیم گرفتم به خواستگاری اش بروم. ابتدا خانواده اش به این دلیل که فرزند طلاق بودم رفتار درستی با من نداشتند. اما بعد که «الهام» آن ها را راضی کرده بود با از دواج ما موافقت کردند. زندگی خوبی داشتیم و من سرکار می رفتم. وقتی فرزند اولم به دنیا آمد، زندگی ما شیرین تر شد. اوضاع مالی خیلی خوبی نداشتیم ولی قانع بودیم. فرزند دوم نیز به دنیا آمد. همسر من هم برای این که کمک خرج من باشد به کار خیاطی مشغول شد. زندگی من خوب بود تا آن زمان که شرکت ما ورشکست شد و من چند ماه بیکار بودم. آن جا بود که برای خرجی زن و بچه هایم مجبور به دزدی شدم. آن هم سرقت محتویات خودرو بود که من نیز به ۴۰ فقره سرقت اعتراف کردم. چندین بار به دلیل سرقت هایی که داشتم بازداشت شدم و زندان رفتم. همسر صبری کرد و گفت: تو تغییر می کنی اما من هیچ وقت نتوانستم به خوبی از خانواده ام مراقبت کنم چون خانواده ای نداشتم که از آن ها معنای واقعی خانواده را بدانم. من مجبور به سرقت شده ام و الان که در اتاق مشاوره هستم متوجه شدم که همسر من در خواست طلاق داده است و من باز هم زندگی را باختم.

گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است تا توجه به شگرد این سارق ۴۰ساله برای دستبرد به محتویات خودروها، تلاش افسران زبده دایره تجسس با دستور ویژه سرگرد احسان سبکیار (رئیس کلانتری شفا) برای کشف سرقت های دیگری همچنان ادامه دارد.

براساس ماجرای واقعی در زیر پوست شهر

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه خانم زهره رحمتی با ارائه دو برگ استشهادیه المثنی گواهی امضاء شده تقاضای کتبی جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه نموده و مدعی گردیده که سند مالکیت شش دانگ یک قطعه زمین به مساحت ۲۵۰/۶۲ مترمربع تحت پلاک ۳۰۹۶ فرعی از ۲۹۲۸ فرعی از ۱۲۶۶- اصلی واقع در بخش ۱۱ قاینات به نشانی قاین - یلوار امام حسین - امام حسین ۴ به علت جابجایی مفقود شده است لذا با بررسی ثبت دفاتر املاک و پرونده ثبتی معلوم گردید که پلاک مزبور برابر سند انتقال شماره ۵۷۲۷۳ - ۵۷۲۰۰۷۳۰ - دفتر یک قاین به خانم زهره رحمتی فرزند غلامرضا منتقل که ذیل ثبت دفتر املاک الکترونیک به شماره ۵۷۰۵ - ۱۴۰۲۰۳۰۸۰۰۲۰۰۰ ثبت و سند مالکیت به شماره سریال ۴۵۹۳۰۸ ج ۴۱۰۱ به نام نامبرده صادر و تسلیم گردیده و سابقه دیگری مشاهده نشد لذا مراتب به استناد ماده ۱۲۰ در این آگهی ذکر نشده و یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می باشد باید تاده روز پس از انتشار آگهی به این اداره مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود سند مالکیت المثنی نوبت اول صادر و به متقاضی تسلیم خواهد شد. تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۳/۰۸

غلامرضا صدقیان - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک قاین

شناسه ۱۹۴۱۰۴۷

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه خاتم سمیرا حسین پور و کالتا از طرف آقای حسین رحیمی با ارائه دو برگ استشهادیه المثنی گواهی امضاء شده تقاضای کتبی جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه نموده و مدعی گردیده که سند مالکیت شش دانگ یک قطعه زمین بایر بمساحت ۱۸۰ متر مربع تحت پلاک ۱۵۹۲ فرعی از ۱۹۶۰ - اصلی واقع در بخش ۱۱ قاینات به نشانی شهر قاین - محله چندانها به علت جابجایی مفقود شده است لذا با بررسی ثبت دفاتر املاک و پرونده ثبتی معلوم گردید که پلاک مزبور برابر سند انتقال شماره ۵۰۷۴۱ - ۵۰۹۰۰۹۳۱ - دفتر یک قاین به آقای حسین رحیمی فرزند حاجی محمد منتقل که ذیل ثبت دفتر املاک الکترونیک به شماره ۳۲۷۲ - ۲۰۳۰۸۰۰۲۰۰۰ ثبت و سند مالکیت به شماره سریال ۰۹۵۳۹۹ الف ۱۴۰۰ به نام نامبرده صادر و تسلیم گردیده و سابقه دیگری مشاهده نشد لذا مراتب به استناد ماده ۱۲۰ آئین نامه اصلاحی قانون ثبت مصوب ۸/۱۱/۸۰ یک نوبت آگهی و متذکر گردد که هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله ای انجام داده که در این آگهی ذکر نشده و یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می باشد باید تاده روز پس از انتشار آگهی به این اداره مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود سند مالکیت المثنی نوبت اول صادر و به متقاضی تسلیم خواهد شد. تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۳/۰۸

غلامرضا صدقیان - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک قاین

شناسه ۱۹۴۱۰۳۲